

فصل پنجم:

تشکل‌های دینی، پس از سقوط رضاشاه

□ اولین «اتحادیه»ها و «انجمن»ها

در این فصل، با رجوع به سال‌های پس از سقوط دیکتاتوری رضاشاه، تلاش‌های سازمان‌یافته نیروهای مسلمان مرور می‌شود. اغلب این حرکت‌ها بر بستر بازسازی هویت دینی در برابر چهار تهاجم فکری است: اول - ناسیونالیسم مذهب‌زدای رضاخانی و مفاصد فرهنگی و اخلاقی ناشی از آن؛ دوم - تبلیغات ضداسلامی و ضدشيعی احمد کسروی، با رگه‌هایی از وهابی‌زدگی و تجدد؛ سوم - مارکسیسم و ماتریالیسم بیگانه‌گرای دکتر ارانی و (بعدها) حزب توده؛ چهارم - گسترش فعالیت و نفوذ فرقه صهیونیستی بهائیت.

○ تشکل‌های مذهبی - سیاسی

پس از شهریور بیست، برخی از روحانیان و روشنفکران مذهبی برای سامان دادن به وضعیت فرهنگی و مقابله با لامذهبی و بی‌دینی، تشکل‌هایی پدید آوردند. به اعتقاد رسول جعفریان: «طبعاً همه تشکل‌هایی که پس از شهریور بیست به وجود آمد، به یک میزان سیاسی نبودند، اما وقتی مجموع رفتارهای آنان مورد بررسی قرار گیرد و سیاسی بودن هم به معنای اجتماعی بودن تفسیر شود، روشن

می‌شود که این تشکل‌ها به رغم آنکه گاه ادعای غیرسیاسی بودن دارند، دارای گرایش‌های سیاسی نیز هستند. با کمترین تردیدی باید گفت تلاش‌های چهارگانه شهاب‌پور، نوریانی - مدیر آیین اسلام - حاج سراج انصاری و شیخ عباسعلی اسلامی را باید مهم‌ترین تلاش مذهبی معتدل برای نشر افکار دینی در این دوره دانست.^۱

این گونه فعالیت‌ها به عنوان مکمل تلاش‌های مرجعیت و حوزه‌های علمیه در شکل‌دهی به ساختار نوین آموزش و تبلیغات اسلامی محسوب می‌گردید. حوزه‌های علمیه در دوران دیکتاتوری بیست ساله «به شدت تضعیف شده و نیازمند آن بودند تا خانه تکانی کرده، از وضعیت خمودی ناشی از فشار دولت رضاخانی بیرون آیند. در کنار حوزه، روحانیان شهرستان‌ها و چهره‌های باقی مانده که در دوره رضاخان، به اجبار سکوت کرده بودند، به آرامی فعال شدند.»^۲ و «زمانی که فعالیت مجدد روحانیون آغاز شد، روشنفکران مخالف، بنای فحاشی و تندروی را گذاشتند. آنان از ترس آنکه مبادا دستاوردهای دوره رضاشاه بر باد برود، به شکل‌های مختلف به مقابله برخاستند.»^۳

تشکل‌های دینی گسترده و فراگیر عبارت بودند از: انجمن تبلیغات اسلامی - اتحادیه مسلمین - جامعه تعلیمات اسلامی و انجمن‌های اسلامی دانشجویی. جمعیت‌ها و گروه‌های متشکل دینی محلی و کوچک‌تری نیز پدید آمده و فعالیت‌های مؤثری داشتند که مهم‌ترین آنها را می‌توان اینگونه برشمرد: کانون اسلام - جمعیت پیروان قرآن - جمعیت روحانی منتظم - جمعیت جامعه مسلمین - جمعیت اتحاد و ترقی مسلمین (اصفهان) - کانون نشر حقایق اسلام (مشهد) - انجمن پیروان قرآن (مشهد) و گروه‌های کوچک‌تر مختلف در سایر شهرها.

تعداد مطبوعات دینی نیز در دهه بیست و سی افزایش یافت و برخی از آنها واجد اهمیت و تأثیرگذاری فراوان گشتند. نشریاتی مانند: آیین اسلام - نور دانش - پرچم اسلام - خرد - دنیای اسلام - پرتو اسلام - مسلمین - مجله تعلیمات اسلامی - ندای حق - حیات مسلمین - فروغ علم - نهضت اسلام و... .

در همان زمان، در محیط مدارس تهران، با ابتکار معلمین متدین و روشنفکر، یک سری فعالیت‌های

۱. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی...: ص ۵۵.

۲. همان: صص ۳۵-۳۶.

۳. همان: ص ۴۴.

اجتماعی - دینی شروع شده بود. به عنوان مثال در سال ۱۳۲۱ در دبیرستان دارالفنون، در کنار انجمن‌های تئاتر، موسیقی، ادبیات و ورزش، کلاس یا انجمن فوق‌العاده‌ای به ابتکار سید کمال‌الدین نوربخش، دبیر فقه و فلسفه دارالفنون، به منظور بحث درباره مسائل مذهبی و اصول عقاید، تشکیل شد. شماری از دانش‌آموزان علاقه‌مند، پس از پایان برنامه درسی خود، در آن کلاس شرکت می‌کردند. انجمن‌هایی در چند دبیرستان و یا در بین دانش‌آموزان و دانشجویان مانند «انجمن اسلامی جوانان امیرکبیر» تشکیل گردید. اشخاصی از قبیل راشد، نوربخش و ابن‌الدین در این انجمن سخنرانی می‌کردند.^۱

به دنبال این فعالیت‌ها، «انجمن اسلامی دانشجویان» برای بار نخست در دانشکده پزشکی ایجاد شد. به گفته دکتر محب‌الله آزاده، یکی از بنیانگذاران، این انجمن در سال ۱۳۲۲ تشکیل شد. برخی بانی آن را دکتر عطاءالله شهاب‌پور دانسته‌اند.^۲

انجمن اسلامی دانشجویان عده‌ای از وعاظ و نویسندگان را برای همکاری و سخنرانی دعوت می‌کرد؛ که از جمله آنها این افراد بودند: آیه‌الله طالقانی، حسینعلی راشد، محمدتقی فلسفی، مهندس بازرگان، حبیب‌الله آموزگار، دکتر رضا زاده شفق، دکتر موسی عمید، دکتر سبحانی، دکتر مهدی آذر و سید صدرالدین بلاغی.^۳ بسیاری از سخنرانی‌های مذکور به چاپ رسید.

○ «اتحادیه مسلمین ایران»

«اتحادیه مسلمین ایران» از جمله تشکلهایی بود که در ۱۳۲۴ ایجاد شد. بنیانگذار این تشکل، روحانی فرهیخته‌ای به نام حاج مهدی سراج انصاری بود که از نویسندگان پیشتاز و پرکار اسلامی و از فعالان حرکت‌های سیاسی - مذهبی دهه ۲۰ به شمار می‌رفت و قبلاً افزون بر همکاری با مطبوعات دینی و نگارش مقالات، در سال ۱۳۲۳ جمعیت مبارزه با بی‌دینی را تشکیل داده بود که بستر شکل‌گیری اتحادیه شد. تا سال ۱۳۲۸ مجله دنیای اسلام سخنگوی «اتحادیه مسلمین» به شمار می‌رفت ولی از

۱. همان: ص ۹۹.

۲. همان.

۳. بازرگان، مدافعات در دادگاه...: ص ۸۱. نجاتی، شصت سال خدمت...، ج ۱: ص ۲۲۲؛ با اندکی تصرف و اصلاحات.

سال ۱۳۲۸؛ مجلهٔ مسلمین ارگان این تشکل بود؛ که انتشار مرتب آن تا سال ۱۳۳۵ ادامه یافت.^۱ حاج سراج انصاری در نجف درس خواند و در سال ۱۳۲۱ ش. دولت عراق او را به ایران تبعید کرد. وی در ایران، به موازات خدمات دینی، به مبارزات سیاسی علیه احزاب ضدّملی نیز پرداخت. حاج سراج با همراهی جمعی از دانشمندان مسلمان، «اتحادیهٔ مسلمین» را تشکیل داد. برخی از اعضای هیئت مدیره این تشکل در سال ۱۳۲۸ عبارت بودند از: آیةالله طالقانی - سیدغلامرضا سعیدی - نصرت‌الله نوریانی - عطاءالله شهاب‌پور - شیخ مهدی شریعتمداری و سیدمرتضی خلخالی.^۲ از اولین اقدامات این جمعیت، اعلام پشتیبانی از استقلال و آزادی کشمیر، الجزایر و فلسطین بود. برای شرکت در جنگ فلسطین (اعراب) علیه اسرائیل، «اتحادیهٔ مسلمین» اعلام ثبت‌نام کرد و هزاران نفر داوطلب مسلمان نام‌نویسی کردند.^۳

این اتحادیه، سازمان جوانان را نیز تشکیل داد و در برخی شهرستان‌ها دارای نمایندگی بود. اتحادیه مسلمین در جریان نهضت ملی شدن نفت نیز فعالیت داشت و در مبارزه علیه انگلستان مشارکت مؤثر کرد.^۴ «یکی از نقاط ثقل فعالیت حاج سراج مبارزه با خرافات بود»^۵ که در بین برخی از مردم متدین رواج داشت. مبارزه با مظاهر بی‌دینی و تلاش برای اجرای قوانین اسلامی و آموزش مفاهیم دینی در صدر فعالیت‌های فرهنگی اتحادیه قرار داشت. حاج سراج انصاری در سال ۱۳۴۰ فوت کرد.^۶

○ اصحاب مجلهٔ «آیین اسلام»

در سال ۱۳۲۳ مجله‌ای به صاحب‌امتیازی و مدیریت نصرت‌الله نوریانی منتشر شد که آیین اسلام نام داشت. این نشریه، که انتشار آن تا سال ۱۳۳۴ ادامه یافت، ارگان هیج تشکلی نبود ولی برخی

۱. یوسفی اشکوری، در تکاپوی آزادی...، ج ۱: ص ۱۸۴. مدیر شانه‌چی، احزاب سیاسی...: ص ۸۴؛ با اندکی تصرف. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی...: صص ۶۰ و ۶۶ و ۶۸.

۲. فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۵: ص ۹۸.

۳. یوسفی اشکوری، در تکاپوی آزادی...، ج ۱: ص ۱۸۴.

۴. فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۵: ص ۱۰۰. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی...: ص ۶۹.

۵. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی...: ص ۷۴.

۶. اطلاعات بیشتر ے فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۵: مقاله اتحادیه مسلمین، صص ۹۱-۱۳۳. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی...: صص ۵۹-۸۰.

تشکل‌های دینی، پس از... ● ۲۰۳

شخصیت‌های فرهنگی آن دوران، مقالات خود را در این مجله انتشار می‌دادند؛ از جمله آیه‌الله طالقانی، سید غلامرضا سعیدی، حسینعلی راشد، محمدباقر کمره‌ای، حاج سراج انصاری، سید جعفر شهیدی.^۱ به رغم ازگانی نبودن آیین اسلام، نظر به نقشی که این مجله در جنبش اسلامی ایران و در دهه ۱۳۲۰ شمسی ایفا کرده است و مجموعه‌ای از نیروها را گرد آورد، گردانندگان آن را می‌توان از جریان‌های مؤثر و تعیین‌کننده آن دوران دانست.

به نظر اشکوری، «اتحادیه مسلمین»، جمع پیرامونی مجله آیین اسلام و «جمعیت فداییان اسلام» سه مجموعه‌ای‌اند که محور مشترک آنها سیاسی و اجتماعی بودن ایشان است؛ حساس بودن نسبت به سرنوشت جهان اسلام و مسلمین - به خصوص فلسطین - و نقش استعمار و (تا حدی) استبداد داخلی از مشترکات این سه است که به تعبیری یک جریان به شمار می‌روند. این جریان خواهان اجرای بی‌چون و چرای شریعت اسلام بود و اعتقاد داشت که با اجرای کامل شریعت و احکام دین، همه مشکلات مادی و معنوی جوامع مسلمان حل خواهد شد.^۲

○ «جامعه تعلیمات اسلامی»

از دیگر مراکز و تشکل‌های دینی اوایل دهه بیست، «جامعه تعلیمات اسلامی» است؛ که به وسیله حجة الاسلام شیخ عباسعلی اسلامی تأسیس شد. وی در سال ۱۳۲۲ جمعیت پیروان قرآن رانیز تأسیس کرده بود که پایه‌ای برای شکل‌گیری جامعه تعلیمات اسلامی محسوب می‌شود.^۳ مجله تعلیمات اسلامی نیز توسط این جامعه انتشار می‌یافت. وی شخصاً در عرصه اجتماعی و سیاسی به یکی از فعالان مبارز و شناخته شده تبدیل گشت. در نهضت ملی شدن نفت با آیه‌الله کاشانی و نواب صفوی همکاری گسترده‌ای داشت و در جریان نهضت امام خمینی تا پیروزی انقلاب اسلامی نیز به مبارزات و فعالیت‌های سیاسی ادامه داد^۴ و چند بار از جمله در پانزده خرداد ۴۲ و شهریور ۴۳ بازداشت و زندانی شد.^۵ وی همچنین از

۱. یوسفی اشکوری، در تکاپوی آزادی...، ج ۱: ص ۱۸۵؛ با اندکی تصرف و اضافات.

۲. همان: صص ۱۸۵-۱۸۶؛ با تلخیص.

۳. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی...: ص ۸۰.

۴. همان: صص ۸۳-۸۵.

۵. کرمی‌پور، جامعه تعلیمات...: ص ۶۰.

اواخر دههٔ چهل تا ۱۳۵۷ از سوی ساواک ممنوع‌المنبر گردید^۱ و در تداوم مبارزات خود از آغاز نهضت امام خمینی(ره) در سال ۱۳۴۱ به یکی از حامیان پرشور امام تبدیل شد و تا پیروزی انقلاب اسلامی با ایشان رابطه مستحکم داشت. امام نیز در مناسبت‌هایی از خدمات فرهنگی و مبارزات وی یاد کرد و تجلیل به عمل آورد.^۲ اما حرکت اصلی و مستمر وی، فعالیت وسیع فرهنگی - آموزشی از طریق جامعه تعلیمات اسلامی بود.

از جمله اعضای هیئت مدیره «جامعه» در سال ۱۳۲۸ عبارت بودند از: شیخ‌العراقین بیات، شیخ محمد آخوندی، حاج عباسقلی بازرگان، عبدالکریم فقیهی شیرازی، حسینعلی گلشن، حاج غلامحسین دلیل تهرانی، حاج سیدحسن عدنانی.^۳ مهم‌ترین وجه فعالیت‌های «جامعهٔ تعلیمات اسلامی»، اهتمام در تأسیس مدارس با هویت دینی بود. هدف، این بود که خارج از محدودهٔ نظام آموزشی دولتی، مدارس را تشکیل دهند و علاوه بر آموزش علمی رسمی، به تربیت دینی دانش‌آموزان بپردازند. تعداد مدارس ابتدایی و متوسطه ایجاد شده توسط جامعه تعلیمات اسلامی در تهران و شهرستان‌ها تا سال ۱۳۵۶ به ۱۸۳ باب رسید. حمایت‌های فرهنگی علما و پشتیبانی مالی بازاریان مؤمن موجب تقویت و تداوم فعالیت‌های این مؤسسه عظیم گردید. آیه‌الله بروجردی و آیه‌الله حکیم و آیه‌الله سید محمدتقی خوانساری از مدارس مؤسسه حمایت می‌کردند. علامه طباطبایی کتاب‌های دینی پنجم و ششم دبیرستان و حجة‌الاسلام باهنر و حجة‌الاسلام گلزاده غفوری نیز کتاب درسی تعلیمات دینی سوم ابتدایی این مدارس را تألیف کردند.^۴ «جامعهٔ تعلیمات اسلامی» در دهه‌های بعد نیز فعال بود و تا پیروزی انقلاب اسلامی به فعالیت خود ادامه داد.^۵

حجة‌الاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی به رغم سن بالای بیش از هشتاد سال، در رویدادهای انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ مشارکت داشت و تا زمان فوت در سن ۸۹ سالگی (۱۳۶۴) به حمایت از نظام جمهوری اسلامی کوشید.^۶

۱. همان: ص ۶۵.

۲. همان: صص ۴۸-۵۲ و ۵۵-۵۷ و ۶۰-۶۱ و ۶۵-۶۶ و ۷۹.

۳. همان: ص ۷۷.

۴. همان: صص ۷۹-۸۲ و ۹۰ و ۹۴. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی...: ص ۸۶.

۵. کرمی‌پور، جامعه تعلیمات...: صص ۹۶-۹۷.

۶. همان: ص ۶۶. اطلاعات بیشتر...: صص ۲۱-۹۷.

○ «انجمن تبلیغات اسلامی»

از مطرح‌ترین و معروف‌ترین تشکل‌ها و کانون‌های نوگرایی اسلامی در دهه بیست، «انجمن تبلیغات اسلامی» است که در سال ۱۳۲۱، به ابتکار و مدیریت دکتر عطاءالله شهاب‌پور و به سبکی تازه و جالب، تأسیس شد. و در واقع، این انجمن نخستین تشکیلات اسلامی است که در دهه ۱۳۲۰ (پیش از همه احزاب و گروه‌های سیاسی - مذهبی و انجمن‌های اسلامی) شکل گرفت.^۱

مجله نور دانش، که انتشار آن تا دهه‌های سی و چهل نیز ادامه داشت، با امتیاز و مدیریت دکتر شهاب‌پور به عنوان نشریه انجمن منتشر می‌شد.^۲ انجمن، در ابتدای کار، مجله‌ای نداشت ولی سال‌نامه‌ای به نام نور دانش داشت؛ و نیز جزوه‌هایی به نام مجموعه انتشارات «انجمن تبلیغات اسلامی» منتشر نمود که بعدها به صورت مجموعه انتشار یافت. دکتر شهاب‌پور، تا چند سال، فقط به نام «بانی انجمن تبلیغات اسلامی» شناخته می‌شد؛ یعنی حاضر نبود نام اصلی خود را درج کند؛ اما پس از اینکه نام صاحب امتیاز مجله درج شد، معلوم گشت که وی بانی انجمن است.^۳ دو سال پس از تأسیس، انجمن یازده جلد کتاب در شصت هزار نسخه چاپ کرده بود. در سال ۱۳۲۵ تیراژ جزوات چاپ شده انجمن از بدو تشکیل، یکصد و پنجاه و هشت هزار نسخه اعلام شد.^۴ انجمن تبلیغات اسلامی از آنجا که می‌کوشید با شیوه‌های فرهنگی روز به تبلیغات دینی بپردازد، در کار خود بسیار موفق بود و توانست در سراسر ایران پانزده هزار نفر را به عنوان همکار ثبت شده جذب و سازماندهی کند.^۵ این انجمن همچنین در مبارزه با اقدامات تبلیغی بهائیان و تلاش برای وحدت شیعه و سنی و ترویج اندیشه اتحاد اسلامی تلاش وسیع و مؤثری داشت. «مجتهدان و روشنفکران مسلمان زیادی با نامه‌های خود از انجمن حمایت کردند.»^۶

دکتر عطاءالله شهاب‌پور فارغ‌التحصیل حقوق دانشگاه تهران و دارای دکترای افتخاری از کانادا، به چند زبان از جمله عربی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی تسلط داشت. نوشته‌های وی شیوا و روان بود و در

۱. شورای انقلاب...: ص ۶.

۲. یوسفی اشکوری، در تکاپوی آزادی...، ج ۱: ص ۱۸۸. فصلنامه یاد، ش ۷: ص ۴۲.

۳. فصلنامه یاد، ش ۷: صص ۴۲-۴۳؛ با تلخیص و اندکی تصرف.

۴. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی...: صص ۵۶-۵۸.

۵. همان: ص ۵۸.

۶. همان: ص ۵۶.

آن دوران تازگی داشت. شاید بتوان دکتر شهاب‌پور را بانی نوشته‌های شیوای مذهبی برشمرد.^۱ از امور مورد اهتمام وی، ارائه و گزارش توانایی اسلام در جذب نیروهای فرهنگی و علمی مغرب‌زمین بود و اغلب در سالنامه و مجله «نور دانش»، شرحی از اسلام آوردن یکی از فرنگیان به چشم می‌خورد. مرکز پخش و نشر آثار وی و «انجمن تبلیغات اسلامی»، بیشتر «کتابفروشی محمدی» واقع در خیابان شاه آباد تهران به مدیریت محمدی اردهالی بود که از دوستان نزدیک شهاب‌پور بود و جزء نخستین ناشران کتاب‌های جدید مذهبی به شمار می‌رفت.^۲

○ «کانون اسلام» و «کانون نشر حقایق اسلامی»

«کانون اسلام» که به عنوان یک مرکز آموزش‌های اسلامی و امور خیریه تأسیس شده بود، پیش از شهریور ۲۰ فقط دارای کلاس‌های سوادآموزی شبانه بود.^۳ اما پس از سقوط رضاخان و حضور آیه‌الله طالقانی بعنوان مدرس و سخنران آن، هویت جدیدی یافت. آیه‌الله طالقانی با اشاره به همکاری با «انجمن تبلیغات اسلامی» و «اتحادیه مسلمین» و «کانون اسلام» بیشتر بر بعد اجتماعی و خیریه این تشکل تأکید می‌کند.^۴ مخاطبان سخنرانی‌های آن، بیشتر دانشجویان و نظامی‌ها و کارمندان بودند.^۵ مهندس بازرگان در جلسات این کانون با آیه‌الله طالقانی آشنا شد و در جلسات سخنرانی و تدریس وی حضور می‌یافت و خود نیز با سخنرانی و نوشتن مقاله با آن همکاری می‌کرد.^۶ نشریه دانش‌آموز توسط این تشکل منتشر می‌شد. بعد از انتقال پایگاه فعالیت‌های آیه‌الله طالقانی به مسجد هدایت در سال ۱۳۲۳، کانون اسلام عملاً برجیده شد.^۷

«کانون نشر حقایق اسلامی»، در همان سال‌های اوایل دهه بیست شمسی، توسط استاد محمدتقی

۱. شنیده یکی از مؤلفان کتاب حاضر از مرحوم استاد محمدتقی شریعتی.

۲. کتاب‌هایی چون ترجمه تفسیر المیزان و بسیاری از تألیفات روحانیون نوگرا و نونویس حوزه علمیه قم، همچون مکارم شیرازی و دیگر اصحاب مجله مکتب اسلام، توسط «انتشارات محمدی» چاپ و نشر یافته است.

۳. یوسفی اشکوری، در تکاپوی آزادی...، ج ۱: ص ۱۶۵.

۴. افراسیابی، طالقانی و تاریخ: ص ۶۴.

۵. برزین، زندگی‌نامه سیاسی مهندس...: ص ۵۴.

۶. یوسفی اشکوری، در تکاپوی آزادی...، ج ۱: ص ۱۶۶.

۷. برزین، زندگی‌نامه سیاسی مهندس...: ص ۵۴.

شریعتی در مشهد بنیانگذاری شد. شریعتی، که نخست در کسوت روحانی بود، سال‌ها در دبیرستان‌ها و دانشگاه مشهد تدریس کرد. «هرچند این کانون عمدتاً فکری و فرهنگی بود و در برابر تبلیغات مارکسیستی و ماتریالیستی و جز آن، از اسلام دفاع می‌کرد... اما در فضای نهضت ملی، که فضای عمومی جامعه سیاسی‌تر شد و دین نقش برجسته‌ای در آن پیدا کرد، استاد شریعتی و کانون نیز به سیاست و مبارزه و جنبش ملی - مذهبی ایران گرایش یافت؛ و در واقع نقش رهبری جنبش ملی در خراسان را به عهده گرفت.»^۱ یکی از نویسندگان درباره کانون و مؤسس آن می‌گوید:

نخستین کسی که در مشهد گفت [که] «ولایت» باید به شکل و شیوه‌ای مطرح و تشریح بشود که بتواند جایگزین و بدیلی برای حکومت‌های منحرف و فاسد و جابر وقت باشد، مدیرعامل کانون نشر حقایق اسلامی (استاد محمد تقی شریعتی) بود که آن را در هر مناسبت و محفل و مجلس عنوان می‌کرد.

نخستین کسی هم که در مشهد به ضرورت شناسایی و برقراری حکومت اسلامی اشاره نمود، مهندس بازرگان بود. از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ چند هفته‌ای بیشتر نگذشته بود که در کانون نشر حقایق در این موضوع سخن گفت.^۲

«کانون نشر حقایق اسلامی» پس از حوادث سال ۴۲ تعطیل شد و بعد از آن، دیگر اجازه فعالیت پیدا نکرد. ولی استاد محمد تقی شریعتی، خود با سخنرانی‌ها و تألیف مقالات و کتب در عرصه مبارزات اسلامی حضور فعال داشت. استاد شریعتی، علاوه بر مشهد، در تهران نیز - بیشتر در مسجد هدایت و حسینیه ارشاد - سخنرانی‌ها و جلسات متعددی داشت که حاصل آن، کتاب‌هایی بود که توسط حسینیه ارشاد، شرکت انتشار، دارالتبلیغ اسلامی و دفتر نشر فرهنگ اسلامی انتشار یافت؛ و معروف‌ترین آنها تفسیر نوین (تفسیر جزء سی‌ام قرآن کریم) است.

همچنین در مشهد، چهره فعال مذهبی شناخته شده به نام حاج علی اصغر عابدزاده نیز با تأسیس مهدیه و انجمن پیروان قرآن از دهه بیست به بعد، موجب رونق هیئت‌ها و مجالس مذهبی گردید و جوانان زیادی را جذب فرهنگ اسلامی نمود. حاج عابدزاده در نهضت ملی شدن نفت از فعالان شهر مشهد بود. مدارس، حسینیه‌ها و مراکز مذهبی تأسیس شده توسط وی، اغلب هنوز فعال هستند.^۳

۱. یوسفی اشکوری، در تکاپوی آزادی...، ج ۱: ص ۱۸۷.

۲. فارسی، زوایای تاریک: صص ۱۹-۲۰.

۳. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی...، ص ۱۰۶.

□ «فداییان اسلام» و نواب صفوی

«جمعیت فداییان اسلام» در اوایل سال ۱۳۲۴ از سوی سید مجتبی میرلوحی (نواب صفوی) با همکاری سیدحسین امامی، سید عبدالحسین واحدی، سید محمد واحدی و تنی چند از جوانان متدین و پرشور تأسیس شد.^۱ نواب صفوی از اهالی «دُرچه»ی اصفهان بود که از مدرسه صنعتی دیپلم گرفت؛ و دروس مقدماتی حوزه را در مسجد قندی خانی آباد تهران خواند.^۲ در نجف اشرف نیز تحصیل کرد و در پی تبلیغات «ضدینی و فرقه‌سازی» احمد کسروی، به منظور مبارزه با افکار و اقدامات او به ایران بازگشت.

«جمعیت فداییان اسلام نخستین سازمان متشکلی بود که به اقدام مسلحانه (ترور انقلابی) دست زد و این امر در تاریخ معاصر، تنها در دوره مشروطه - تا حدودی - معمول بود.^۳ علاوه بر این، فداییان اسلام اولین تشکلی به شمار می‌رود که ایدئولوژی اسلامی را با جامعیت آن و در راستای استقرار یک حکومت اسلامی تبلیغ و ترویج می‌کرد.»^۴

به نوشته جعفریان، فداییان اسلام «یک گرایش مذهبی انقلابی به شمار می‌رود که طی یک دهه با فعالیت سیاسی جدی (۱۳۳۴-۱۳۲۴) تأثیر عمیقی در صحنه سیاسی و مذهبی ایران بر جای گذاشت.»^۵

اشکوری می‌نویسد:

«در دوران نهضت ملی، فداییان [اسلام] با چند ترور سیاسی مهم (ترور رزم‌آرا و هژیر) نقش مهم و مثبتی در نهضت ایفا کردند. در یک مرحله از نهضت، بین مصدق و جبهه ملی، آیه‌الله کاشانی و فداییان اسلام تفاهم بود، اما بعدها فداییان هم از مصدق جدا شدند و هم از کاشانی و راه مستقل خود را پی گرفتند.»^۶

۱. مدیر شانه‌چی، احزاب سیاسی...: ص ۷۵. گل محمدی، جمعیت فداییان اسلام...، ج ۱: ص ۳۷.

۲. عراقی، ناگفته‌ها: صص ۱۲۷-۱۲۸ با تلخیص.

۳. البته میان ترورهای دوره مشروطه و اقدامات فداییان اسلام، تفاوتی بنیادین وجود داشت. در دوره مشروطه، برخی از گروه‌ها یا اعضای یکدیگر را ترور می‌کردند و یا رهبران نهضت، از قبیل شیخ فضل‌الله نوری و سید عبدالله بهبهانی را. در حالیکه فداییان اسلام به نمایندگی از سوی نهضت‌کنندگان، مخالفان سرکوب‌گر نهضت و مقام‌های مجرم هیئت حاکمه استبداد، از قبیل رزم‌آرا و هژیر و علاء را مجازات می‌کردند.

۴. مدیر شانه‌چی، احزاب سیاسی...: ص ۷۷.

۵. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی...: ص ۱۷۰.

۶. یوسفی اشکوری، در تکاپوی آزادی...، ج ۱: ص ۱۸۳.

سیدمجتبی نواب صفوی فرزند یک روحانی (که بعداً وکیل دعاوی شد و در سال ۱۳۱۵ سه سال زندانی شد) پس از تحصیل در رشته مکانیک در هنرستان فنی آلمانی‌ها، مدت سه سال و نیم در نجف اشرف به تحصیل علوم حوزوی پرداخت و در سال ۱۳۲۱ تحت تأثیر علامه امینی برای مقابله با کسروی به تهران بازگشت. وی بعد از گفتگوهای علمی با کسروی و اثبات لجاجت وی در ادعاهای ضددینی و حتی نوعی فرقه‌سازی توسط وی، در اردیبهشت ۱۳۲۴ برای اجرای حکم شرعی، کسروی را هدف حمله قرار داد که منجر به جراحت او گردید. پس از همین واقعه نخستین اطلاعیه فداییان اسلام منتشر شد. در اسفند ۱۳۲۴ حکم شرعی قتل کسروی توسط فداییان اسلام عملی شد و پس از آن علما و جمعیت‌های اسلامی در دفاع از اقدام فداییان و درخواست آزادی دستگیرشدگان، تلگراف‌ها و اعلامیه‌هایی صادر کردند. به نوشته جعفریان «درباره اینکه فداییان با اجازه برخی از مراجع وقت دست به این اقدام زدند، تردیدی وجود ندارد.»^۱ در سال ۱۳۲۵، فداییان اسلام در ماجرای بازگرداندن جنازه رضاشاه، اقدامات و تبلیغات زیادی علیه پهلوی انجام دادند. در سال ۱۳۲۶ به حمایت از مردم فلسطین، فداییان اسلام در کنار آیه‌الله کاشانی فعالیت‌های سیاسی خود را افزایش دادند و در تظاهرات گسترده مردم تهران به حمایت از فلسطینی‌ها، نواب صفوی سخنرانی پرشوری ایراد کرد.^۲ و بالاخره از سال ۱۳۲۸ و گسترش نهضت ملی شدن صنعت نفت، نقش فداییان اسلام برجسته گردید که اوج آنها اعدام انقلابی هژیر و رزم‌آرا و همکاری وسیع با آیه‌الله کاشانی و دکتر مصدق و جبهه ملی تا زمان به قدرت رسیدن مصدق بود. پس از کودتا نواب حاضر شد با همکاری «نهضت مقاومت ملی» سپهبد زاهدی را از میان بردارد؛ که این پیشنهاد را سران نهضت مقاومت پذیرفتند.^۳

آیه‌الله واعظ زاده خراسانی درباره نفوذ و محبوبیت فداییان اسلام در بین روحانیون، می‌نویسد: در سال ۲۷ تا ۲۹، که موج آزادی‌خواهی سراسر ایران را گرفته بود، در قم نیز جنبش‌ها و حرکت‌هایی وجود داشت؛ به خصوص «فداییان اسلام» ستاد عملیاتی خود را در قم و در مدرسه فیضیه قرار داده بودند؛ و روزها و شب‌ها در صحن مدرسه و پس از نماز جماعت مرحوم آیه‌الله سید محمدتقی خوانساری - که به طور آشکار از آنان حمایت می‌فرمود - سخنرانی‌های داغ ایراد می‌کردند و به افشاگری علیه رژیم می‌پرداختند و طلاب جوان را به قیام

۱. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی...: ص ۱۷۴.

۲. همان: صص ۱۷۵-۱۷۷.

۳. یوسفی اشکوری، در تکاپوی آزادی...، ج ۱: صص ۳۱۲-۳۱۳.

دعوت می‌کردند؛ [و] نوید تشکیل حکومت علوی را می‌دادند. کدام مسلمان آزاده و طلبه پیراسته‌ای بود که در آن امواج پرتلاطم اسلام سیاسی، بتواند بی‌طرف بماند و حق را به جانب نواب صفوی و جوانان از جان گذشته‌ای که دور او را گرفته بودند، ندهد؟! غالب مدرّسان و طلاب فاضل، در پنهان یا آشکار، پشت سر «فداییان اسلام» ایستاده بودند.^۱

رهبران و اعضای فداییان اسلام دارای «تعهد و تقدس اخلاقی و التزام شدید به مبانی شرعی و حس مسئولیت‌پذیری دینی و اجتماعی شدید بودند.» نگاه آنان به اسلام، «نگاه فراگیر و جامع بود» و اسلام را آیین کامل زندگی انسان در همه ابعاد فردی و اجتماعی می‌دانستند. «اتحاد اسلامی و وحدت شیعه و سنی» را از اصول فکری خود قرار داده بودند. بخش وسیعی از «جوانان مبارز دهه سی تا چهل» را تحت تأثیر گرایش‌های انقلابی به مبارزات اسلامی جذب نمودند. صراحتاً بر «مبارزه علیه شخص شاه و اصل سلطنت» تأکید داشتند و تجربه تشکیل «اولین سازمان سیاسی نظامی مسلمان» را در تاریخ معاصر پدید آوردند.^۲ همچنین «فداییان اسلام در شرح اندیشه‌های خود، برای ایجاد حکومت اسلامی، نخستین برنامه مفصل را به صورت یک قانون اساسی و بر پایه تصویری از اسلامی که خود می‌شناختند و عمیقاً به آن ایمان داشتند، ارائه دادند.»^۳ برنامه فداییان اسلام برای حکومت اسلامی، نخستین بار در سال ۱۳۲۹ انتشار یافت. به اعتقاد نویسنده کتاب «جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران»، اما این برنامه که «جالب‌ترین بخش فکری آنان بود، آنگونه که شایسته بود و چنان که انتظار می‌رفت، دنبال نشد.»^۴

۱. یادنامه استاد شهید...، ج ۱: صص ۳۳۹-۳۴۰. برای آگاهی بیشتر از ویژگی‌های شخصیتی نواب صفوی ← عراقی، ناگفته‌ها: صص ۱۲۶-۱۳۷؛ و برای آشنایی با دیدگاه‌های فداییان اسلام ← امینی، جمعیت فداییان اسلام...: صص ۷۳-۱۱۲.

۲. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی...: صص ۱۹۴-۲۰۰؛ با تلخیص.

۳. همان: ص ۲۰۰.

۴. همان: ص ۲۱۵.